

امام و امامت در تکوین و تشریع

اصغر طاهرزاده

www.ketab.ir

طاهرزاده، اصغر، ۱۳۳۰ -

امام و امامت در تکوین و تشریع / طاهرزاده، اصغر. - اصفهان: لب المیزان، ۱۳۸۹.
۲۹۰ ص.

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۰۹-۳۲-۱

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیما
کتابخانه به صورت زیر نویس.

۱- امامت.

۲۹۷/۴۵

BP۲۲۳/۱۲ ط ۸ الف ۱۳۸۹

۲۲۲۷۳۵۰

کتابخانه ملی ایران

امام و امامت در تکوین و تشریع

اصغر طاهرزاده

چاپ: پردیس / معنوی

نوبت چاپ: اول

لیتوگرافی: شکیا

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰

حروفچین: گروه فرهنگی المیزان

قیمت: ۳۵۰۰ تومان

ویراستار: گروه فرهنگی المیزان

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

صحافی: دی

طرح جلد: گروه فرهنگی المیزان

کلیه حقوق برای گروه المیزان محفوظ است

مراکز پخش:

تلفن: ۰۳۱۱-۷۸۵۴۸۱۴

۱- گروه فرهنگی المیزان

همراه: ۰۹۱۳۱۰۴۸۵۸۲

۲- دفتر انتشارات لب المیزان

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۱	مقدمه‌ی مؤلف
۲۱	متن روایت
۲۵	جلسه‌ی اول معنی امام در قرآن
۲۹	جایگاه امامت در قرآن
۳۳	ابراهیم علیّه السلام و تاریخ‌سازی
۳۶	امامت؛ مزده‌ی بزرگ
۳۹	جلسه‌ی دوم امامت و وحی فعل خیر
۴۱	تفکیک مقام امامت از مقام نبوت
۴۵	مقام تکوینی امام
۵۳	جلسه‌ی سوم مقام امام فوق انتخاب مردم
۵۴	امام و ملکوت اشیاء
۶۰	ضرورت وجود امام
۶۳	نقطه‌ی امید
۶۷	جلسه‌ی چهارم برکات وجود امام و ضرورت آن
۷۰	امام؛ زمام دین

.....	۶	امام و امامت در تکوین و تشریع
.....	۷۶	امام؛ عامل نجات از تحریف
.....	۷۹	برکات حاکمیت امام معصوم
.....	۸۵	جلسه پنجم امام؛ عامل جهت‌دهی به اسلام و مسلمین
.....	۸۸	نزدیکی به عصمت امام علیه السلام
.....	۹۹	جلسه ششم امام؛ عالی‌ترین آرمان
.....	۱۰۱	فرهنگ امامت و امید به آینده
.....	۱۰۳	برکات نظر به حاکمیت معصوم
.....	۱۰۸	امام و هدایت از مهالک
.....	۱۱۱	امانت‌دار رفیق
.....	۱۱۵	جلسه هفتم امام و جوابگویی به تمام ابعاد انسانی
.....	۱۱۷	نیاز بشر به حجت خدا
.....	۱۲۳	برکات امام
.....	۱۲۹	امام؛ عامل نجات جامعه از نفاق
.....	۱۳۳	جلسه هشتم جایگاه مقام موهبی امام
.....	۱۳۶	امام؛ یگانه‌ی روزگاران
.....	۱۴۲	امام و علم غیر اکتسابی
.....		جلسه نهم امام و جوابگویی به عالی‌ترین نیاز در نظام احسن
.....	۱۴۷	
.....	۱۵۵	غیر اعتباری بودن امامت
.....	۱۶۱	جلسه دهم امام؛ مظهر هدایت کامل الهی
.....	۱۶۱	آفات غفلت از خدای هادی و ربّ قادر
.....	۱۶۷	هدایت‌گری امامان علیهم السلام بر اساس حقیقت قرآن

کامل ترین یگانگی بین رسول خدا ﷺ و امامان علیهم السلام	۱۶۹
جلسه ی یازدهم امام و علم لدنی	۱۷۵
ضرورت وجود امام	۱۷۷
کشف راز یا نفی راز؟	۱۷۹
پیامبران و امامان و تجهیزات خاص	۱۸۲
علمی فوق علم زمانه	۱۸۶
جلسه ی دوازدهم خصوصیات رهبران الهی	۱۹۱
تاریخ بدون حاکمیت امام	۱۹۱
جایگاه علم امام	۱۹۵
امام و توانایی های خاص	۱۹۸
جلسه ی سیزدهم رهبران الهی و توانایی های خاص	۲۰۳
ظرائف توحید تشیع	۲۰۶
الطاف خاص الهی در زمان غیبت	۲۱۲
حدیث طارق	۲۱۹
اهل البیت علیهم السلام و زمان شناسی	۲۳۵
تا مقام شهادت و فنا	۲۳۷
مهم ترین برکت در شناخت اهل البیت علیهم السلام	۲۳۹
اهل البیت علیهم السلام و وقت شناسی	۲۴۱
بهترین عمل	۲۴۳
نقش روح زمانه	۲۴۵
برکات شناخت روح زمانه	۲۴۵
معجزه ی بزرگ رعایت حق	۲۴۹

۸ امام و امامت در تکوین و تشریع

۲۷۴ ماوراء تلاش ها

۲۸۰ راز تأخیر پیروزی

۲۸۳ از کجا شروع کنیم؟

۲۸۷ آفات غفلت از حقّ اهل البیت علیهم السلام

www.ketab.ir

مقدمه

باسمه تعالی

۱- سلسله مباحث «جایگاه حقیقت نوری امام در هستی» در صدد است تا نظرها را متوجه حقیقت بزرگی بنماید که خداوند برای هدایت بشریت اراده کرده است و به جایگاه قدسی امام نظر دارد، جایگاهی که امام از آن جایگاه انسان‌ها و جامعه را مدیریت می‌کند، آن‌هم مدیریتی که تکوین و تشریع در آن هماهنگ است و اعتبار یافتن ریشه در حقایق دارد.

۲- باید به‌خوبی روشن شود که «خداشناسی واقعی» وقتی محقق می‌شود که انسان‌ها بتوانند در آینده‌ی تمام‌نمای جمال انسان‌های کامل، با «الله» مانوس شوند و این موضوع ابتدا در کتاب «هانی نظری و عملی حبّ اهل بیت (علیهم‌السلام)» مورد بحث قرار گرفت و در این سلسله مباحث سعی شده با وسعت بیشتری مورد مذاقه قرار گیرد.

۳- روایت مربوط به حقیقت نوری اهل‌البیت (علیهم‌السلام) طوری است که نمی‌توان با هر عقلی با آن روبه‌رو شد و لذا یا عده‌ای از کنار آن می‌گذرند و یا خیلی سطحی با آن برخورد می‌کنند و در نتیجه بشریت از معارف و رازهای بزرگی محروم می‌شود. در این سلسله مباحث سعی شده حداقل

عظمت موضوع تبیین گردد و به معارف عالی‌های که توجه به این روایات در پی دارد توجه شود.

۴- مباحث در سه جلد تنظیم شده و بهتر است به ترتیبی که تنظیم شده، یعنی ابتدا کتاب «حقیقت نوری اهل البیت (علیهم‌السلام)»، سپس کتاب «امام و مقام تعلیم به ملائکه» و پس از آن کتاب «امام و امامت در تکوین و تشریع» مطالعه گردد. در عین حال هر کدام می‌تواند جداگانه مورد مطالعه قرار گیرد زیرا هر کدام از مباحث به روایت یا روایات خاصی نظر دارد که وجهی از حقیقت آسمانی مقام امام را مطرح می‌کند و سعی شده تا با دقت بر روی روایات مورد بحث، نکات ظریفی از موضوع امامت در هستی تبیین گردد و در نتیجه ان شاء الله سؤالات اساسی عزیزان در این موضوع جواب داده شود.

امید است خوانندگان محترم با توجه به نکته‌ی اخیر یعنی کسب معارف عالی‌های که قواعد عالم قدس را تبیین می‌کند، با کتاب‌ها مأنوس گردند و بیش از پیش تصویری صحیح از تمدن اسلامی به معنای واقعی آن که مقدمه‌ی ظهور حاکمیت امام معصوم (علیه‌السلام) و اتحاد عالم تشریع با عالم تکوین است به دست آورند.

گروه فرهنگی المیزان

مقدمه‌ی مؤلف

باسمه تعالی

۱- امامت مطرح در اعتقاد شیعه رویکردی است به حقیقتی آسمانی که در صدد است تمدن زمینی را مطابق نظم آسمانی بسازد و امام شیعیان آن چنان حضوری در عالم هستی دارد که نه تنها چنین امری را ممکن می‌سازد، بلکه آن را ضروری می‌داند؛ زیرا موجب شکوفایی سرمایه‌ی درونی تک تک افراد امت می‌گردد تا جایی که شخصیت افراد انعکاسی از شخصیت امام خود خواهد شد.

۲- چشم برداشتن از نقش حضور تکوینی واسطه‌ی فیض عالم بر امور تشریعی بشری، فاجعه‌ی بزرگی است که هنوز بشر به آن فاجعه واقف نشده و به همین جهت راز شکست‌های خود را در جای دیگری جستجو می‌کند در حالی که بعد از شکست مارکسیسم و لیبرالیسم زمان آن فرا رسیده تا به کمک سخنانی که امامان شیعه در راستای امر امامت فرموده‌اند، بشریت متذکر راز شکست‌هایش بشود.

۳- بشریت در طول تاریخ نسبت به مدیریت صحیح جامعه‌ی خود ناکام مانده و علت آن ناکامی غفلتی است که از توانایی خدادادی انبیاء و امامان دارد و فکر کرده بدون آن‌ها می‌تواند امور جامعه را بگذراند، در حالی که

بشر باید به این شعور برسد که «همان خدایی که برای او شریعت آورده مدیرانی نیز برای امور اجتماع پرورانده است تا مطابق شریعت الهی بشریت را جلو ببرند» و انسان‌ها به واقع در دو امر مهم نبوت و امامت به خود واگذاشته نشده‌اند.

۴- آن‌چه باید در روایات مربوط به امامت دنبال شود، توجه به جهت باطنی مقام اهل بیت علیهم‌السلام است. بسیار فرق است که با این نوع روایات به‌طور سطحی برخورد شود یا این که سعی کنیم از همان سطح عالی که روایات مطرح شده به آن‌ها توجه شود، یعنی به جای آن که مطلب را آن قدر پایین بیاوریم که چیزی از آن نماند، دستان را به آن بدهیم و بالا برویم تا حقیقت جدیدی از معارف الهی بر قلب ما منکشف شود و لازمه‌ی چنین برخوردی همت مضاعف است.

۵- نظر به وسعت حضور امامان در هستی نه تنها عامل نمایش راه گسترده‌ای است که انسان‌ها می‌توانند طی کنند بلکه موجب می‌شود تا روشن شود امامان از چه افقی بشریت را هدایت می‌نمایند و چرا شیعه معتقد است مقام هدایت‌گری امامان فوق مرگ آن‌ها همواره فعال است و در هیچ حالی از صحنه‌ی زندگی بشر خارج نیست.

۶- خداشناسی واقعی وقتی محقق می‌شود که انسان‌ها بتوانند در آینده‌ی تمام نمای جمال انسان‌های کامل با «الله» مانوس شوند و راه‌یافتن به چنین نگاهی را با نظر به آیات نام‌ی الهی پیدا کنند و گرنه در بیراهه‌ها به دنبال خدا می‌گردیم و همچون وهابی‌ها با خدای ذهنی و انتزاعی زندگی می‌کنیم که هیچ‌گونه تجلی بر قلب ما نخواهد داشت.

۷- شیطان که نتوانست در جمال خلیفه‌الله، اسمای الهی را بنگرد و از آن طریق در تجلیات جامع اسماء به خدا سجده کند، بهانه آورد که می‌خواهد فقط به خدا سجده نماید ولی از درگاه انس با خدا محروم شد. هرکس با نظر به خود نتواند وجه الله را در جمال امامان معصوم علیهم‌السلام بیابد، راه شیطان را طی خواهد کرد و حقیقتاً از انس با خدا محروم خواهد شد. آری وقتی راز رجیم‌بودن شیطان معلوم شود، راه ارتباط با خلفای الهی نمایان می‌گردد.

۸- مدیریت جامعه بر اساس فرهنگ امامت موجب می‌شود تا ذهن افراد جامعه گرفتار انواع نظریه‌ها و سلیقه‌ها که عامل غفلت از یگانگی در مقصد و مقصود می‌باشد، نگردد.

۹- وقتی فهمیدیم امام، امینی رفیق و پدري شفیق و ناصحی مشفق است، می‌فهمیم خداوند برای سرپرستی بشریت هدیه‌ی بزرگی را تدارک دیده تا شرایط عالی‌ترین شکل زندگی در زمین فراهم گردد.

۱۰- در صورتی مدیران با جان انسان‌ها دم سازند که از غیر خدا مستغنی باشند و با انس کامل به خداوند خدمت به مردم را ادامه‌ی عشق‌بازی با خدا بدانند و در آن صورت اگر سنگ جفایی از طرف مردم به آن‌ها برسد از آن جایی که جهان را منور به دوست می‌بینند، می‌دانند باید از سر رحمت از بی‌وفایی‌ها بگذرند و دل‌خوش باشند به دولتی که راه آسمان را به سوی بشر گشوده است.

۱۱- مدیریت و هدایت جهان بشری با فرهنگ امامت، ریشه در نوری دارد که از خداوند جدا شده است، قسمتی از آن، نور محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گشت و

قسمت دیگر آن، نور علی‌السلام شد و هدایت‌گری همه‌ی انبیاء و اولیاء ریشه در این دو نور دارد و هر جا تاریخ بشریت از این دو نور جدا شد، گرفتار ظلمات مدیران زمینی گشت. این است که نباید یک لحظه از مدیریت قدسی امام معصوم چشم برداشت که در آن صورت ظلمات را غلیظ‌تر کرده‌ایم و از سعادت خود دور خواهیم ماند و شب ظلمانی ما به صبح نمی‌انجامد.

۱۲- باید متوجه بود که رسیدن به درجه‌ای که مقام نوری اهل بیت‌السلام در آن تصدیق شود غیر از معرفتی است که روش‌های کلامی در صدد ارائه‌ی آن هستند تا حقانیت ائمه‌السلام را برای مخالفان ثابت کنند. البته این در روش کلامی در جای خود کار پسندیده‌ای است، ولی فراموش نکنیم امام‌شناسی راه دیگری است و مقصد دیگری را دنبال می‌کند.

۱۳- آنچه در این کتاب مورد توجه قرار می‌گیرد، تأکید بر این موضوع است که امامت یک حقیقت نفس‌الامری در عالم وجود است و نه یک حادثه‌ی تاریخی صرف. و به جهت حقیقت نفس‌الامری آن است که زندگی یک ملت را معنی می‌بخشد و مدیریت می‌کند. در راستای توجه به چنین جایگاهی برای امامت، گفته می‌شود «غفلت از سرمایه‌ی امامت آسمانی، غفلت از اسلام است».

۱۴- تأکید بر مقام غیبی رسول خدا ﷺ و ائمه‌ی هدی ﷺ که توسط رسول خدا ﷺ و سایر ائمه‌السلام تبیین می‌گردد به این منظور است که اسرار بلند عالم غیب بر ما گشوده شود و متوجه جهان یگانه‌ای باشیم که در مدیریت آن، روح‌های بلند مرتبه‌ای نقش دارند و می‌توان به مدد آن‌ها

عالی‌ترین شکل زندگی را برای خود رقم زد تا برکات زمین و آسمان به عالی‌ترین شکل آن بروز کنند، چیزی که حضرت رضا در روایتی که در پیش دارید بر آن تأکید می‌نمایند.

۱۵- تأکید بر مقام قدسی اهل‌البیت علیهم‌السلام موجب می‌شود تا جامعه از سطحی‌نگری‌رهایی یابد و حیطه‌ی اندیشه‌ی خود را عالم قدس و معنویت قرار دهد، عالمی که همسنخی کاملی با حقیقت انسان یا نفس ناطقه‌ی او دارد و متذکر مراتب وجودی نفس ناطقه‌ی اوست، و موجب رفع حجاب بین انسان و عالم معنا می‌گردد.

۱۶- گفته شده مقام اهل‌البیت علیهم‌السلام مرز بین امکان و وجوب است، تا از این طریق شئون عالم الوهیت از یک طرف و شئون انسان کامل از طرف دیگر تبیین شود و افقی که انسان می‌تواند به سوی آن سلوک نماید معلوم گردد و روشن شود چگونه ایمان به ولایت انسان‌های کامل، دنیایی از شور و شغفِ بندگی را به همراه دارد، به خصوص وقتی چنین کسانی امامت و مدیریت جامعه را به عهده داشته باشند.

۱۷- نتیجه‌ی عدم آگاهی از ساختار سلسله مراتب طولی جهان هستی، همین زندگی است که بشر امروز با آن روبه‌روست، در حالی که آگاهی از سلسله مراتب طولی عالم هستی که انسان کامل به عنوان واسطه‌ی فیض در رأس آن قرار دارد، ما را به دنیایی دیگر رهنمون می‌شود که به جای اهدافی کوتاه‌بینانه و سلطه بر عالم و آدم، متوجه سلطه بر نفس اماره می‌شویم و گرفتار اموری که ربطی به هدف حیاتمان ندارد، نخواهیم شد.

۱۸- در جامعه‌ای که نظرها به مدیریت امام معصوم یعنی واسطه‌ی فیض الهی معطوف شد، و پای ارادت به او در میان است، رابطه‌ی نفس ناطقه‌ی انسان با نور امام معصوم، رابطه‌ی نوری خواهد بود و انسان تحت تأثیر آن نور برتر قرار می‌گیرد و مرتبه‌ی وجودی‌اش شدیدتر می‌شود و این است معنی منورشدن به نور عصمت امام که برای طالبان ولایت ائمه علیهم‌السلام محقق می‌گردد و در آن راستا قدم‌های نفس ناطقه در مسیر بالفعل شدن فطرت شروع می‌شود.

۱۹- در تفکیک بین مقام نبوت و امامت در پیامبران ابراهیمی علیهم‌السلام، متوجه می‌شویم با ختم نبوت، امامت به عنوان یک ضرورت تاریخی و مقامی که بر ملکوت اشیاء احاطه دارد، ادامه می‌یابد و در کنار تبیین و اجرای شریعت، تصرفات تکوینی مقام امامت همچنان نیاز بشریت است تا جهان بشری بدون روح نباشد.

۲۰- سیره‌ی ائمه علیهم‌السلام همیشه اتحاد بین امت اسلامی بوده و نهایت تلاش را می‌نمودند تا مسلمانان در هر گروهی که هستند مقابل یکدیگر قرار نگیرند. در همین راستا ملاحظه می‌کنید امام صادق علیه‌السلام چهار هزار دانشمند را از جهان اسلام اعم از شیعه و سنی در کنار خود جهت اخذ معارف اسلامی جمع می‌پروراند. حضرت رضا علیه‌السلام نیز با توجه به همین سیره در خطبه‌ای که در پیش رو دارید جایگاه امامت را تبیین می‌کنند و در واقع یک بحث عالمانه‌ای را پیش می‌کشند که از مبادی عقاید شیعه است، بدون آن که بخواهند موضوع را به تعرض و دشمنی در مجموعه‌ی امت اسلامی تبدیل کنند. زیرا به تعبیر مقام معظم رهبری «سنه‌الله»: «ایمان به مبادی خود و

اصول و عقاید خود، چیز بسیار خوب و پسندیده‌ای است؛ پافشاری بر آن هم خوب است؛ اما این نباید از مرز اثبات به مرز نفی و همراه با تعرض و دشمنی و عداوت، تجاوز کند. برادرانی که در مجموعه‌ی امت اسلامی هستند، احترام یکدیگر را حفظ کنند؛ عقاید خودشان را هم می‌خواهند حفظ کنند، حفظ کنند؛ اما احترام به دیگران، حدود دیگران، حقوق دیگران و حرمت افکار و عقاید آن‌ها را نگه دارند و بحث و مجادله را برای مجالس علمی بگذارند. علما و اهل فن، می‌خواهند بنشینند مباحثات مذهبی کنند، بکشند؛ اما مباحثه‌ی مذهبی عالمانه و در محفل علمی، با بدگوئی به یکدیگر در علن، در سطح افکار عمومی، در مخاطبه‌ی با افکاری که قدرت تجزیه و تحلیل علمی ندارند، فرق می‌کند.^۱

در این کتاب سعی شده است با توجه به رهنمود مقام معظم رهبری «منه‌الله» موضوع امامت مطرح شود تا در عین تبیین عقیده‌ی شیعه در مورد امامت جایی برای تعرض و دشمنی بین شیعه و سنی باقی نماند و با شرح سخنان حضرت رضا (علیه السلام) در مورد جایگاه امامت جهان اسلام به فکر فرو رود که چگونه اسلام و مسلمانی را ادامه دهد تا وعده‌ی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) محقق شود که فرمودند: «الْإِسْلَامُ يُقْلَوُ وَلَا يُغْلَى عَلَيْهِ»^۲ اسلام همچنان به برتری می‌رود و هیچ دینی بر آن برتر نمی‌شود. و نیز جوانان شیعه متوجه باشند عقیده به حضور امام معصوم در مدیریت جامعه عقیده‌ای بسیار گرانبه‌تر از آن است که بتوان ساده از کنار آن گذشت و تصور شود

اتحاد بین شیعه و سنی به معنی هم‌عرض دانستن اندیشه‌ی تشیع با اندیشه‌ی اهل سنت است که در آن صورت از اهمیت عمود خیمه‌ی نظام اسلامی یعنی ولایت فقیه به شدت کاسته می‌شود و این خطری است که دشمنان انقلاب اسلامی مترصد ایجاد آن می‌باشند، چون به این نتیجه رسیده‌اند که با بودن ولایت فقیه هر گونه برنامه‌ای جهت سرنگونی نظام اسلامی خنثی خواهد شد.

۲۱- دشمنان نظام جمهوری اسلامی سال‌ها است سعی دارند با تنوری‌های به ظاهر علمی و با نظریه‌پردازی‌های خطرناک، نظام اسلامی را فاقد مبنای قابل اعتماد معرفی کنند و اگر ما نتوانیم جایگاه ولایت فقیه را در سخنان امامان معصوم علیهم‌السلام درست معرفی کنیم عملاً با دست خود بهانه به دست دشمن خود داده‌ایم. برخی تحت عنوان «اصلاحات سیاسی» سعی دارند چنین القاء کنند که «جمهوری اسلامی» مردم‌سالاری نیست و همانند رژیم پهلوی یک حکومت مطلقه است که از توسعه‌ی سیاسی به دور می‌باشد.^۳ فرهنگ سیاسی شیعه را فرهنگ تابعیت معرفی می‌کند تا نتیجه بگیرند آن فرهنگ استبدادپذیر و دموکراسی‌گریز است. ولی مقام امام و امامت را معرفی نمی‌نمایند تا معلوم شود تبعیت از امام معصوم عین پیروی از عقل برتری است که انسان و جامعه را به شکوفایی می‌کشاند در حالی که استبداد عامل سرکوبی عقل و فطرت است.

۳- به کتاب‌های حسین بشیریه تحت عناوین «جامعه‌شناسی سیاسی» و «موانع توسعه‌ی سیاسی در ایران» و «دبیاچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران» با به کتاب «عقلانیت و آینده‌ی توسعه‌یافتگی ایران» از محمود سریع‌القلم رجوع فرماید.

در تئوری «اصلاحات سیاسی»، جامعه‌ی مدنی کعبه‌ی مقصود به حساب می‌آید و نیروهای مذهبی، مخالفان آن معرفی می‌گردند و این‌طور القاء می‌شود که رهبران مذهبی مخالف جامعه‌ی نهادمنداند و تلاش می‌کنند با توده‌ای کردن جامعه به مقاصد خود برسند و تأکید رهبران به جامعه‌ی مدینه النبی ﷺ را ادامه‌ی همان دیکتاتوری می‌دانند.

در نظریه‌پردازی اصلاحات سیاسی اظهار می‌شود رهبری مذهبی با جامعه‌ی توده‌ای پیوند خورده و جامعه‌ی ایده آل را تنها جامعه‌ی سکولار معرفی می‌نمایند و نه جوامع دینی با آرمان‌های خاص خود. حضور توده‌های میلیونی جهت مشارکت در سرنوشت خود را شیوه‌ای پوپولیستی می‌خوانند و آن را شبه دموکراسی و دموکراسی صوری می‌دانند و تنها جبهه‌ی اصلاحات را مظهر همه‌ی خوبی‌های تاریخ ایران به حساب می‌آورند، زیرا نظریه‌پردازان آن جبهه متن مردم را که در قالب ساکنان روستاها، شهرهای کوچک و طبقات پایین شهرهای بزرگ به سر می‌برند «توده» می‌نامند و توجه به آن‌ها را «پوپولیسم» می‌خوانند و تنها طبقات متوسط به بالا شهروند محسوب می‌شوند و از نظر آن‌ها دموکراسی زمانی حاصل می‌شود که در تصمیم‌گیری‌ها آرمان‌های طبقات بالا مدنظر قرار گیرد و عملاً اعضای جبهه‌ی اصلاحات گونه‌ای از قِیم‌مآبی برای خود قائل‌اند، و به این صورت نظام اسلامی را فاقد مبنای قابل اعتماد معرفی می‌نمایند و این‌جاست که ضرورت طرح امامت آن‌طور که امام رضا (علیه السلام) معرفی می‌نمایند صدچندان می‌شود تا روشن شود نظام اسلامی به کدام عقل رجوع دارد و با چه مبنایی می‌خواهد خود را شکل دهد.

امید است با دقت کامل در سلسله مباحثی که نظر به جایگاه اشراقی امام دارد، بتوانید از برکات امامت که عهد الهی است با بندگانی خاص، بهره‌مند گشته و از نفس اماره آزاد و به نفس مطمئنه که نمونه‌ی عینی آن امامان معصوم‌اند، نایل گردید که گفت:

ما کشته‌ی نفسم و بسا وقت برآید از ما به قیامت که چرا نفس نکشیم

طاهرزاده